

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
The Role of Architecture in the Hegemony of Urban Discourse over Rural Discourse
in Persian Poetic Literature
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

نقش معماری در سلطه گفتمان شهری بر روستایی در ادبیات منظوم ایران

هادی عبادی^۱، جواد گودینی^{۲*}، یحیی محمدزاده گودینی^۳

۱. دکترای طراحی شهری، استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۲. دکترای معماری، استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۳. پژوهشگر دکتری معماری، مربی گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

چکیده

بیان مسئله: نوشتار حاضر حاکی از آن است که تصویرپردازی‌های شاعران کلاسیک ایران در بسیاری از تقابل‌های شهر و روستا، با سلطه و برتری گفتمان شهری همراه است. پژوهش‌های پیشین، دلایل این سلطه را عمدتاً به وجوه انسانی نسبت داده‌اند. از آنجاکه شهر و روستا فقط شامل وجوه انسانی نیست، پس مغفول ماندن رابطه وجوه کالبدی (به‌خصوص معماری) با ایجاد و تثبیت این برتری گفتمانی، یک مسئله است.

هدف پژوهش: مقاله حاضر به دنبال چگونگی استفاده ادبیات منظوم از معماری برای تصویرپردازی سلطه شهر بر روستاست.

روش پژوهش: نظریه تحلیل گفتمان انتقادی چارچوب نظری و تاحدود زیادی روش تحقیق نوشتار حاضر را شکل داده است. داده‌های اولیه این تحقیق کیفی و به ادبیات منظوم کلاسیک ایران محدود شده است. در کنار آن‌ها از متون غیرمنظوم نظیر سفرنامه و نیز آراء صاحب‌نظران معماری، برنامه‌ریزی روستایی و جغرافیا برای مباحث تکمیلی استفاده به عمل آمده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها مؤید آن است که زبان در تصویرپردازی‌های ادبیات منظوم ایران، از دو طریق برجسته‌سازی و به‌حاشیه‌راندن ویژگی‌های معمارانه توانسته سلطه گفتمان شهر بر روستا را ایجاد و به تثبیت برساند. برای برجسته‌سازی بر ویژگی‌های معمارانه شهر نظیر دراختیارداشتن واحدهای اختصاصی (همچون مناره، مسجد آدینه و...)، مرکزیت شهر نسبت به روستا، وسعت یا بزرگی مقیاس فضاهای شهری تأکید شده که با ساختارهای کالبدی شهرها و نیز با ساختارهای فکری حاکم بر دوره‌های پیش و پس از ورود اسلام منطبق است. همچنین، برای به‌حاشیه‌راندن ویژگی‌های معمارانه روستا از اهمیت‌دادن به زمینه‌گرایی، ادغام فضاهای آن با طبیعت، موقعیت‌های مناسب روستا برای گشت‌وگذار، معیشت‌محوری فضاهای روستایی، سادگی راه‌حل‌های ساختمانی، سبقت تاریخی معماری روستایی در مقابل معماری شهری، تنوع مجتمع‌های زیستی مرتبط با روستا و... چشم‌پوشی شده است. درحقیقت، ویژگی‌های معماری به‌مثابه ابزاری برای تصویرپردازی و نمادپردازی سلطه گفتمان شهر بر روستا بدل شده است.

واژگان کلیدی: معماری، تحلیل گفتمان انتقادی، ادبیات منظوم ایران، شهر، روستا.

مقدمه

می‌توان به نمونه‌هایی از آن اشاره کرد. در ادبیات منظوم ایران و در بخش کلاسیک آن نیز، تقابل دوگانه‌های شهر و دهکده، شهر و قریه، شهر و ده و شهر و روستا به‌کرات مورد استفاده قرار گرفته است. در این میان، گاه تقابل دوگانه‌های یادشده بدون برتری‌دادن یکی بر دیگری عرضه

تقابل دوگانه‌های شهر و روستا پیشینه‌ای طولانی داشته و در عرصه‌های مختلف از جمله برنامه‌های تلویزیونی^۱ و...

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۵۵۰۹۵۲۱، j.goudini@razi.ac.ir

دلایل فوق نشان می‌دهد که عمده آن‌ها مربوط به وجوه انسانی هستند. به‌عنوان مثال، اینکه مولوی در شهر بلخ زاده شده و در شهرهای بزرگی همچون دمشق، حلب، بغداد و غیره زندگی کرده است و همین روحیه شهرنشینی به سلطه گفتمان شهر بر روستا در اشعار او منجر شده است (همان، ۶۲ و ۶۳). نشان از نسبت‌دادن عوامل به وجوه غیرکالبدی است. اما از آنجاکه شهر و روستا علاوه بر وجوه انسانی شامل وجوه کالبدی نیز هستند؛ پس این بحث مطرح می‌شود که در شکل‌گیری و تداوم تصویرپردازی‌های مسلط شهر بر روستا، وجوه کالبدی به‌خصوص معماری چه نقشی برعهده داشته‌اند. لذا مقاله حاضر ضمن محتمل‌شمردن دلایل یادشده، به‌دنبال واکاوی نقش معماری در این سلطه است. درحقیقت، این مقاله به‌دنبال آن است تا شکل استفاده شعراء از معماری برای تصویرنمودن سلطه شهر بر روستا را جستجو نماید.

سؤال و فرضیه تحقیق

این پژوهش به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که: در سلطه گفتمان شهری بر روستایی در ادبیات منظوم کلاسیک ایران، معماری چگونه و چه نقشی را ایفا می‌کند؟ فرضیه تحقیق آنکه، رابطه‌ای معنادار میان شکل استفاده از معماری و سلطه گفتمان شهری بر روستایی وجود دارد.

روش تحقیق

داده‌های اولیه این تحقیق کیفی که حالتی متنی دارد، به ادبیات منظوم کلاسیک ایران محدود شده؛ هرچند از متون غیرمنظوم نظیر سفرنامه‌ها و آراء صاحب‌نظران نیز برای برخی مباحث تکمیلی استفاده می‌گردد. در این تحقیق برای گردآوری داده‌های اولیه از سایت گنجور که هم حاوی اشعار غالب شعرای فارسی‌زبان است^۲ و هم قابلیت جستجوی واژگانی دارد، استفاده می‌شود. در این تحقیق ابتدا به استخراج تصویرپردازی محیط‌های روستایی و شهری در ادبیات پرداخته؛ سپس این تصویرپردازی‌ها با آراء صاحب‌نظران معماری، برنامه‌ریزی روستایی و جغرافیا مقایسه می‌شود تا رابطه میان زبان، معماری و سلطه گفتمان شهر بر روستا مشخص شود.

مبانی نظری

• تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان، هم یک نظریه بین‌رشته‌ای است (Schiffrin, 1994) که ریشه در زبان‌شناسی دارد و هم یک روش تحقیق کیفی محسوب می‌شود. این نظریه امروزه در بسیاری از رشته‌ها نظیر زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی،

شده است. برای مثال، در اشعار عارف قزوینی دوگانه‌های شهر و دهکده هر دو وضعیتی مشابه داشته و هر دو در معرض غارت و چپاول معرفی شده‌اند:

شهر خون، قریه خون، رهگذر خون کوه خون، دره خون،
بحر و بر خون
دشت و هامون ز خون سر به سر خون رود خون، چشمه
خون تا قنات است.

(عارف قزوینی)

گاه در تقابل دوگانه‌های مذکور، شاعر به‌نحوی ضمنی یا آشکار به برتری رفتار و منش روستایی رأی می‌دهد. برای مثال، جامی در حکایت شهری با روستایی که او را به باغ خود برده، رفتاری ناصواب از مرد شهری به تصویر می‌کشد. او در این داستان نحوه تناول نمودن مرد شهری از میوه‌های باغ را همچون گاوی که به چراگاه رفته یا همچون گرگی که به رمه زده، تصویر نموده است:

شهری القصه چو آن باغ بدید/ گاو نفسش به چراگاه رسید
می‌نکرد از پس و از پیش نگاه/ همچو گرگی که فتد در رمه گاه
همچو بادی که ز دشت آید سخت/ میوه با شاخ شکستی ز درخت
(جامی، هفت اورنگ)

علی‌رغم این، در بسیاری از مواضع، تقابل‌های شهری/ روستایی در ادبیات منظوم ایران به برتری شهر ختم شده؛ به‌نحوی که می‌توان ادعا کرد، در این تقابل گفتمان شهری بر گفتمان روستایی سلطه دارد. مرور ادبیات منظوم ایران نشان می‌دهد که فردوسی، ناصر خسرو، خاقانی، عطار، مولوی، نزاری، دهلوی، اوحدی، جامی و قانانی، عطار، افرادی هستند که در اشعار خویش به برتری گفتمان شهری رأی داده‌اند (یزدانی و رافعی، ۱۳۹۷، ۱۲۶). البته این لیست تنها به همین افراد ختم نمی‌شود و شامل افراد دیگری همچون کمال خجندی، همام تبریزی و... نیز می‌شود. برای مثال از این افراد می‌توان به مولوی اشاره کرد که در یکی از حکایات خود به سؤال گدایی اشاره می‌کند مبنی بر اینکه اگر پرنده‌ای بر بارویی نشسته، منزلت سر او بیشتر است یا دم او. در این حکایت، مولوی فضیلت را براساس جهت‌گیری پرنده نسبت به شهر و ده توضیح می‌دهد و معتقد است فضیلت به دل‌کندن از ده (عالم پایین) و روی نمودن به شهر (عالم حقیقی، برتر و ازلی) وابسته است.^۲ از جمله دلایلی که در پژوهش‌های پیشین برای این سلطه ذکر شده می‌توان به تمرکز قدرت در شهرها (خواه در دوره باستان و خواه در دوران اسلامی)، گسترش شهرها و تمرکز نهادهای سیاسی، آموزشی و نظامی در آن‌ها به انضمام ورود اسلام با توجهات شهری خود به ایران اشاره کرد (همان، ۱۱۸). از دیگر دلایل می‌توان به شهرنشینی و شهرگرایی بسیاری از شعرای ایرانی اشاره نمود (علایی خرایم و سرامی، ۱۳۹۱، ۶۲). بررسی

بافت‌های اجتماعی و نهادهای صاحب قدرت مرتبط با آن است (آفاگل زاده، ۱۳۸۶، ۲۶). لذا تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی رابطه قدرت و ایدئولوژی به‌عنوان عوامل برون‌متنی با متن پرداخته می‌شود (مقدمی، ۱۳۹۰، ۹۵). تحلیل گفتمان نوعی تحلیل است که روش‌های سوءاستفاده از قدرت اجتماعی، سلطه و نابرابری و نیز مقاومت متون در بافت‌های اجتماعی و سیاسی در مقابل آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. با این روش، تحلیل‌گران در تلاش هستند تا نابرابری‌های اجتماعی را کشف و افشا نمایند و در برابر آن‌ها مقاومت کنند (آفاگل زاده، ۱۳۸۶، ۲۱). وظیفه تحلیل گفتمان انتقادی، گسترش آگاهی نسبت به زبان به‌مثابه عاملی برای سلطه است (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۱۱۹). تحلیل گفتمان انتقادی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام می‌شود. در سطح نخست، متن براساس مشخصه‌های زبان‌شناسی نظیر آواشناسی، نحو، صرف و... مورد توصیف و تحلیل قرار می‌گیرد. در سطح دوم، توصیف‌های مطرح‌شده در ارتباط با بافت موقعیت، مفاهیم و راهبردهای کاربردشناسی زبان و... تفسیر می‌گردد. در سطح سوم، چرایی تولید این متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، ایدئولوژی، قدرت و... تشریح و توضیح داده می‌شود (Fairclough, 2001, 91-117). از آنچه گفته شد برمی‌آید که تحلیل گفتمان انتقادی معتقد است سلطه گفتمان‌ها بر یکدیگر وابسته به زبان بوده، و با توسل به ایجاد و تثبیت یک معنا در طول زمان محقق می‌شود. این تثبیت زمانی فراهم می‌آید که زبان بتواند از طریق برجسته‌سازی برخی ویژگی‌ها و به‌حاشیه‌راندن دیگر ویژگی‌ها، معنای موردنظر یک قدرت یا یک ایدئولوژی را تثبیت کنند و آن را یک حقیقت مسلم جلوه دهند.

• تصویرپردازی محیط‌های روستایی در ادبیات منظوم ایران
 بررسی فرهنگ لغات فارسی دهخدا، معین و عمید، نشان می‌دهد که روستا هم‌تراز قریه، دیه، ده، دهکده و آبادی بوده و از واژه پهلوی رستاک یا روستاق اخذ شده است. روستاق در فرهنگ لغت پهلوی علاوه بر ناحیه، معنای بستر رودخانه نیز می‌دهد (Mackenzie, 1971, 72). نکته جالب آنکه، «رو» در زبان تالشی به معنای رود و «ستا» نیز به کناره یا لبه اشاره دارد. این موارد مؤید آن است که روستا به‌مثابه یکی از سکونتگاه‌های انسانی با عناصر طبیعی به‌خصوص آب پیوند خورده است. ده (و نیز صورت قدیمی آن یعنی دیه)، در فرهنگ لغت دهخدا به واحدی کوچک از محل سکناي جوامع اطلاق شده که واحدهای بزرگتر آن قصبه، شهرک و شهر است. ده در این فرهنگ معادل اقلیم نیز آمده است. در فرهنگ لغت عمید ده به مجموعه‌ای کوچک از خانه‌های روستایی اطلاق شده است. قریه به‌عنوان یکی دیگر

تاریخ، سیاست، رسانه و ارتباطات، هنر و... مطرح و به‌کار گرفته می‌شود. گفتمان به زبان و رای جمله و عبارت اطلاق شده است (Jaworski & Coupland, 1991, 1). در تعریف دیگری، گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمان متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باورداشتن، احساس، نمادهای غیرزبانی و... است (Gee, 1999, 25). تحلیل گفتمان به عبور از صورت‌های قابل‌رویت زبان و رسیدن به بسترهای اجتماعی گفته می‌شود (Jaworski & Coupland, 1991, 47). تحلیل گفتمان، چگونگی شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی شامل واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون‌زبانی شامل زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی را بررسی می‌کند. مهمترین بنیان فلسفی تحلیل گفتمان، برساخت‌گرایانه بودن آن است؛ بدین معنا که نوع و شیوه سخن گفتن ما در خصوص هویت‌ها و پدیده‌ها، آن‌ها را خنثی بازتاب نمی‌دهد، بلکه فعالانه در ایجاد و تغییر آن‌ها نقش دارد. به عبارت دیگر، معنای آن‌ها برای ما تابع گفتمان است. درحقیقت، معنا و مفهوم پدیده‌ها، امری زبانی، برساخته و گفتمانی است. براساس این نظریه، حقایق ثابت بیرونی وجود ندارد و این زبان است که از طریق بازنمایی آن‌ها، حقیقت را ایجاد و تغییر می‌دهد. درحقیقت، هر پدیده‌ای برای معنادار شدن باید به شیوه‌ای خاص درخصوص آن صحبت شود. این شیوه خاص را گفتمان گویند. پس برای معنادار نمودن پدیده‌های مختلف باید آن‌ها را گفتمانی کرد. در تحلیل گفتمان علاوه بر تحلیل عوامل درون متن به بررسی نقش عوامل برون‌متنی نظیر بافت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... پرداخته می‌شود (مقدمی، ۱۳۹۰، ۹۲-۱۰۰). از اهداف تحلیل گفتمان می‌توان به این موارد اشاره کرد: نشان دادن رابطه بین نویسنده متن و خواننده، روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن، نشان دادن تأثیر بافت متن و بافت موقعیتی بر روی گفتمان، نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولیدکننده گفتمان، نشان دادن بی‌ثباتی معنا و آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی (یارمحمدی، ۱۳۸۳، ۴). تحلیل گفتمان انتقادی به‌مثابه یکی از شقوق این نوع تحلیل متأثر از اندیشه‌های وندایک، وداک، فرکلاف و... است. این نظریه معتقد است که نه تنها زبان ماهیتی بی‌طرف ندارد که مطالعه علمی زبان متن نیز نمی‌تواند خنثی و بی‌طرف باشد (Simpson, 1993, X; Birch, 1998, 31). تحلیل‌گران گفتمان انتقادی، ادبیات و آثار ادبی و هنری را همانند سایر متون سیاسی، اجتماعی و... در خدمت ارتباط می‌دانند. در این نگرش، متن تعاملی ارتباطی میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در درون

یاسا نوشت و فننه نشاند و شیرکشت/بستان فزود و قریه و
گلگشت و مرغزار
انهار کند و برکه و کاریز و جوی و جر/بستان فزود و قریه و پالیز
و کشتزار

بررسی این متون نشان می‌دهد دیگر واژه‌های معادل روستا از جمله دیه، ده، دهستان و دهکده هم در ادبیات منظوم ایران با معیشت دهقانی، برزگری، دامداری و... پیوند خورده‌اند.^{۱۴} با بررسی این ادبیات می‌توان دریافت که یکی از واحدهایی که در نزدیکی ده بازنمایی شده، آسیا است.^{۱۵} این وضعیت نیز به‌نوعی بر همان زندگی دهقانی جاری در ده گواهی می‌دهد. همچنین، بررسی این متون نشان می‌دهد واژه دیه و ده مانند قریه و روستا با واژه دشت همراه شده است.^{۱۶}

• **تصویرپردازی محیط‌های شهری در ادبیات منظوم ایران**
شهر در ادبیات منظوم ایران جایگاه دل است و همراه با آن مطرح شده است. این جایگاه آن قدر رفیع و ارزشمند است که انسان تمایلی به خارج شدن از آن ندارد. شهر منزلگاه وجه اصیل و حقیقی انسان است که منزلتی بالاتر از دهکده تنگ و بسته جسم دارد. اصالت انسان هم مربوط به این شهر بوده و هم انسان را به سوی آن می‌کشاند.^{۱۷} شهر محدوده‌ای است که در پناه حصار گرد می‌آید.^{۱۸} این محدوده فضایی آکنده از علم و دانش است.^{۱۹} که هم به‌صورت مجاز^{۲۰} و هم به‌صورت واقعی دارای، در و دروازه است. درحقیقت، دروازه‌ها یکی از ساختارهای کالبدی شهرها به حساب می‌آمده‌اند.^{۲۱} از جمله واحدهایی که در شهر وجود داشته می‌توان به کاخ اشاره کرد که از واحدهای پر عظمت و پرطمطراق شهری تلقی شده است.^{۲۲} میدان هم از دیگر عناصری است که برای شهر ذکر شده است.^{۲۳} از دیگر عناصر باید به دژ، باره، ایوان و... اشاره کرد. نکته جالب آن که این عناصر همگی به لحاظ ابعاد بزرگ توصیف شده‌اند.^{۲۴} در این متون به‌نظر می‌رسد بازار خصیصه شهر بوده و روستاها فاقد آن بوده‌اند.^{۲۵} از دیگر اندام‌هایی که مختص به شهر بوده و روستاها فاقد آن بوده‌اند باید به مساجد جامع اشاره کرد. برای مثال، ناصر خسرو (۱۳۸۱، ۳۷) درخصوص شهر عسقلان ذکر کرده که: «به شهری رسیدیم که آن را عسقلان می‌گفتند و بازار و جامع نیکو، و طاقی دیدم که آن جا بود کهنه». یا درخصوص تنیس نقل نموده که «شهری انبوه و بازارهای نیکو و دو جامع در آن جاست» و یا درخصوص طرابلس آورده است که «در میان شهر مسجدی آدینه عظیم پاکیزه و نیکو آراسته» (همان، ۲۲). بدیهی است در این شرایط وجود مناره را نیز باید به شهرها نسبت داد. یعنی مناره نیز یک المان شهری محسوب می‌شود نه یک المان روستایی.^{۲۶} تأمل در متون ناصر خسرو نشان می‌دهد که کارخانه را نیز باید از دیگر اندام‌های مختص به شهر دانست.^{۲۷} چنانکه او درخصوص طرابلس متذکر می‌شود که «آن جا کاغذ نیکو سازند مثل کاغذ سمرقندی بل بهتر» (همان) و یا درخصوص تنیس نوشته است که «آن چه در

از واژه‌های معادل روستا در فرهنگ لغت دهخدا به مأمّن و مسکنی اطلاق شده که دارای چند خانه پیوسته و متصل به یکدیگر باشد. پس، در فرهنگ لغات فارسی محیط‌های روستایی توأم با طبیعت محوری و مقیاس کوچک فضایی-کالبدی معنا شده است. بررسی ادبیات منظوم اطلاعات بیشتری درخصوص ویژگی‌های روستا، قریه، ده، دیه، دهستان، دهکده و آبادی ارائه می‌دهد. براساس این متون می‌توان گفت که در شعر فارسی، روستا به‌مثابه یک محدوده فضایی/کالبدی خارج و متمایز از شهر تصویر شده^۴ که با طبیعت و عناصر طبیعی از جمله آب، درخت و... گره خورده است. همین امر باعث شده که محیط روستا فضایی مناسب برای گشت‌وگذار تجلی یابد.^۵ این متون نشان می‌دهند که تعداد روستاها نسبت به شهر بیشتر بوده و هست.^۶ درحقیقت هر شهر دارای چندین روستا بوده که در نزدیکی آن بنا می‌شده‌اند.^۷ همچنین محوریت زندگی ساکنین آن با کشاورزی، دامداری و... پیوندخورده و معیشت آن‌ها بر این فعالیت‌ها استوار است.^۸ این درهم‌تنیدگی فضاهای کار و زندگی، یکی از مشخصه‌های زندگی و سرای روستائیان است. از دیگر ویژگی‌های زندگی روستایی باید به سادگی، کفایت و خودبسندگی آن اشاره کرد. به‌علاوه آنکه، در این مکان دسترسی به برخی از اقلام فراهم آمده است.^۹ علی‌رغم مجزایبودن روستاها از شهرها، بین آن‌ها روابطی تنگاتنگ وجود داشته است. مثلاً ناصر خسرو (۱۳۸۱، ۲۸۵) در وصف شهر تنیس ذکر می‌کند که «میوه و خواربار شهر از رستاق مصر برند». قریه نیز در ادبیات منظوم همچون روستا متمایز از سکونتگاه شهری و توأم با زندگی دهقانی و دامداری تصویر شده است.^{۱۰} در این متون، قریه واحدی کوچکتر از شهر تصویر شده که در صورت بزرگتر شدن می‌تواند به شهر تبدیل گردد.^{۱۱} این واژه با واژه‌هایی همچون جبل و دشت به‌کار رفته است که خود نشان از قرابت آن با عناصر طبیعی است. نزدیکی با طبیعت به شکل دیگری نیز در این ادبیات متجلی است و آن حضور اصوات پرندگان و حیوانات اهلی در محیط قریه است که به‌خصوص در یکی از اشعار ملک‌الشعرا بهار بازنمایی شده است. در این داستان، کارداری به قریه‌ای وارد می‌شود. بانگ خروس سبب بیداری او از خواب شده و موجبات خشم کاردار را فراهم می‌آورد. لذا دستور می‌دهد همه خروس‌های قریه را بکشند.^{۱۲} این واژه در اشعار دیگری از ملک‌الشعرا بهار معادل و جایگزین آبادی و دیه شده و نمایانگر واحدی است که در مجاورت و مجزا از شهر استقرار یافته است.^{۱۳} قریه در اشعار قآنی با واژه‌هایی همچون گلگشت، بستان، کاریز، نهر و... تصویر شده و این نشان از آن دارد که قریه نیز همچون روستا مأوی برای سیاحت در یک محیط خوش آب و هواست:

دیگر وجه برتری تصویرپردازی شهر بر روستا با قرائت عظیم و پرطمطراق عناصر یا فضاهای شهری توأم است. در این وجه، مواجهه مخاطب با فضاهای تصویرشده توأم با درماندگی، حیرت و مبهوت‌شدگی است. این وجه از برتری در تصویرپردازی، با روایت ساده‌گونه و محقر فضاهای روستایی تشدید شده است. به‌عنوان مثال، در اشعار جامی ملاقات پسر و پدر روستایی با فضاهای شهری به‌دلیل شکوه و عظمت فضاها، آن‌ها را دچار حیرت می‌کند:

چو در عرصه شهر مأوا گرفت / به هر کوی راه تماشا گرفت
یکی بارگه دید سر بر سماک / به گردون رسیده ازو قدر خاک
ز کیوان بسی برتر ایوان او / زحل پیکران گشته دربان او
فرمانده حیران و آورد سر / به گوش پدر کای گرامی پدر
گر اینست اندازه مهتری / بود کار ما و تو لولی گری
(جامی، هفت اورنگ)

بحث

تأمل بر مطالب پیشین نشان می‌دهد که تصویرپردازی برتری مآبانه شهر بر روستا در ادبیات منظوم هم به توصیف فضاها و وقایع پیش از اسلام و هم به دوره اسلامی مربوط می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان به اشعار فردوسی اشاره کرد که مربوط به دوران پیش از اسلام است و در کنار آن می‌توان به اشعار عطار، جامی و غیره اشاره کرد که مربوط به دوران اسلامی است. ازسوی دیگر مشخص شد که این تصویرپردازی برتری مآبانه از طریق عناصر یا ویژگی‌هایی نظیر واحدهای اختصاصی، مرکزیت و یا عظمت صورت‌پذیرفته که همگی به شهر اختصاص داشته‌اند. حال با مراجعه به این دوران می‌توان دریافت که در هر دو دوره نیز ساختارهای فکری حاکم بر ایران به برتری شهر کمک کرده‌اند. در کنار این ساختارها، کالبد شهر نیز ویژگی‌هایی را در خود دارد که در انحصار و تملک خود اوست و به روستا راه نمی‌یابد. برای مثال در ساختار فکری حاکم بر دوره ساسانی می‌توان به طبقات اجتماعی اشاره کرد که رأس آن به شهر و انتهای آن به روستا ختم می‌شود (کریستین‌سن، ۱۳۷۸، ۱۱۰). همین وضعیت در ساختار کالبدی شهرهای ساسانی نیز قابل پیگیری است. یعنی در این شهرها، می‌توان به ساختاری سه‌بخشی اشاره کرد که از درون به بیرون ارزش و اهمیت آن‌ها کاهش می‌یابد (تصویر ۱). مهمترین بخش این شهرها، کهن‌دژ است که مقر حکام و درباریان بوده و در بهترین نقطه شهر و معمولاً بر فراز موقعیتی بالاتر از پیرامون خود شکل گرفته است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷، ۶۷). این بخش، از معماری ویژه‌ای نیز برخوردار بوده است. داشتن برج‌و بارو و نیز داشتن خندق از دیگر ویژگی‌هایی است که مؤید اهمیت این بخش است. شارستان قسمت دیگر شهرهای

کارخانه سلطانی بافند به کسی نفروشدند و ندهند» (همان). در ادبیات منظوم ایران، مقر حکومت و بالطبع ساختارهای کالبدی وابسته به آن در شهرها تصویر شده‌اند^{۲۸}. بررسی متون ادبی نشان می‌دهد که قصبه واحدی به مراتب بزرگتر از روستا و نزدیک به شهر بوده که آن هم با ویژگی‌های محیط‌های شهری تصویرپردازی شده است. برای مثال، ناصر خسرو در خصوص قصبه رقه ذکر می‌کند: «چون از طبس دوازده بیامدیم قصبه‌ای بود که آن را رقه می‌گویند. آب‌های روان داشت و زرع و باغ و درخت و بارو و مسجد آدینه و دیه‌ها و مزارع تمام دارد» (همان، ۱۱۳). در کلیله و دمنه نیز آمده است که «سوی قصبه رفت و پرسید که: در این شهر کدام کار بهتر رود؟ گفتند: هیزم را عزتی است».

• تصویرپردازی تقابل محیط‌های شهری و روستایی در ادبیات منظوم

در ادبیات منظوم کلاسیک ایران، تصویرپردازی شهر از چند وجه بر روستا برتری دارد. اختصاصی بودن و یا در انحصار شهر قرارگرفتن برخی از واحدهای معماری نظیر دژ، بارو، دروازه، کاخ، مسجد آدینه، مناره، ایوان، میدان، کارخانه، بازار و... از همین وجوه است. این اختصاصی بودن با عدم آگاهی روستائیان از این عناصر شهری تصویر شده است. مثلاً در حکایات عطار می‌توان به مواجهه فرد روستایی با مناره اشاره کرد که در آن ناآشنایی او با مناره، موجبات تعجب و حیرت او را فراهم می‌آورد:

شنودم من که غولی روستایی / به شهر آمد به دست بی‌نویی
ندیده بود اندر ده مناره / تعجب کرد و آمد در نظاره

(عطار، اسرارنامه)

وجه دیگر برتری تصویرپردازی فضاهای شهری بر روستایی ناشی از مرکزیت دادن به فضاهای شهری است. این مرکزیت هم در شهرهای قبل از اسلام و هم در دوران اسلامی به‌خوبی در ادبیات قابل مشاهده است. مثلاً در اشعار فردوسی می‌توان دریافت که فضاهای روستایی از فضاهای شهری محور و جهت می‌گیرند. درحقیقت، فاصله‌گرفتن روستا از شهر در ادامه نظام سلسله‌مراتبی درون‌شهری معرفی می‌شود. نظامی که هر چقدر از مرکز دورتر می‌شوید، اهمیت کمتری می‌یابد. در همین مسیر می‌توان به اصالت یا اعتباری اشاره کرد که در اشعار قدسی مشهودی یا دیگر شعرا به فضاهای شهری داده می‌شود:

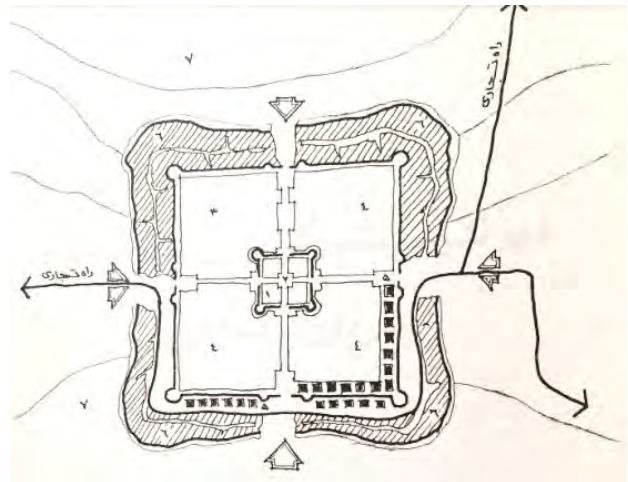
چو از شهر یک سر بپرداختند / بگرد اندرش روستا ساختند
بیاراست بر هر سوی کشتزار / زمین برومند و هم میوه‌دار
(فردوسی)

یا:

نام خرد کسی نبرد در دیار عشق / از روستا، به شهر معظم چه اعتبار
(قدسی مشهدی)

مثلت مسجد، ارگ و بازار که در ساختار شهرهای اسلامی جایگاهی ویژه دارند (دانشپور و شیر، ۱۳۹۴، ۲۰) نیز یک ساختار کالبدی متمایزکننده شهری محسوب می‌شود که مربوط به دوران اسلامی است (تصویر ۲). این ساختار مثلی در کنار عناصر دیگری از جمله حصار، دروازه، راه‌ها و شاهراه‌ها، سازمان‌های اداری، مدرسه، کاروانسرا و محلات مسکونی، عناصر اصلی شهرهای اسلامی را شکل می‌دهند. نکته جالب آن که کماکان غالب این عناصر به شهر اختصاص دارند و یک عنصر شهری محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، عظمت ساختمان‌ها و معماری باشکوه دوره ساسانی که با گذر از ریز به شارستان و کهندژ افزایش می‌یافت، با اینکه در دوران اسلامی دچار تغییراتی شد، اما کماکان یکی از خصیصه‌های شهرهای اسلامی نیز به‌شمار می‌آید (ابن‌خلدون، ۱۳۹۰، ۶۷۴). با این حساب می‌توان عنوان کرد که تصویرپردازی‌های به‌عمل‌آمده در ادبیات منظوم ایران با ساختارهای فکری و کالبدی موجود در دوران پیش و پس از ورود اسلام قرابت دارد. درحقیقت، ادبیات منظوم سعی کرده این خصائص را برجسته کند.

از سوی دیگر، مقایسه تصویرپردازی محیط‌های روستایی در ادبیات منظوم با ویژگی‌های محیط‌های روستایی مدنظر صاحب‌نظران جغرافیا، برنامه‌ریزی روستایی و معماری نکته دیگری را مشخص می‌کند و آن به‌حاشیه‌راندن ویژگی‌های معماری روستایی در تصویرپردازی‌های برتری‌مآبانه شهری است. اساساً روستا سکونتگاهی است که در معنای حقیقی خود با مفهوم آبادی قرابت دارد. این معنا که تلویحاً بر وجه زمینه‌گرایی روستا اشاره می‌کند، از ویژگی‌های بارز معماری روستا محسوب می‌شود و در اظهارنظرات صاحب‌نظران جغرافیا، برنامه‌ریزی روستایی و معماری قابل مشاهده است. به‌عنوان مثال، آن‌ها معتقدند که معماری روستا برخاسته از ویژگی‌های محیطی^{۲۰} (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸، ۵)، جغرافیایی^{۲۱} (داریوش و فاتح، ۱۳۹۳، ۱۸-۲۴)، طبیعی^{۲۲} (تقوایی، ۱۳۹۲، ۲۳؛ راهب، ۱۳۸۶، ۱۱۱) و... است. زمینه‌گرایی روستا و معماری آن ناشی از این است که مکان‌گزینی، شکل‌گیری و درک آن وابسته به عوامل زمینه‌ای است. درحقیقت، عوامل زمینه‌ای از جمله آب موجبات استقرار این سکونتگاه را فراهم می‌آورند. سپس خاک، سنگ، چوب و... ساختمانی‌های آن را تشکیل می‌دهند و در نهایت به‌واسطه کوچک‌بودن مقیاس فضایی روستا، کلیت سکونتگاه چه برای ناظر بیرونی و چه برای ناظر درونی توأم با زمینه همچون کوه، دره، دشت، رودخانه و... درک می‌گردد. از سوی دیگر، از آنجاکه این عوامل زمینه‌ای، طبیعی هستند، پس روستا نمودی طبیعی پیدا می‌کند. نمودی که در آن عوامل طبیعی بر عوامل انسان‌ساخت



تصویر ۱. ساختار کالبدی شهرهای دوره ساسانی. مأخذ: حبیبی، ۱۳۷۵، ۳۵.

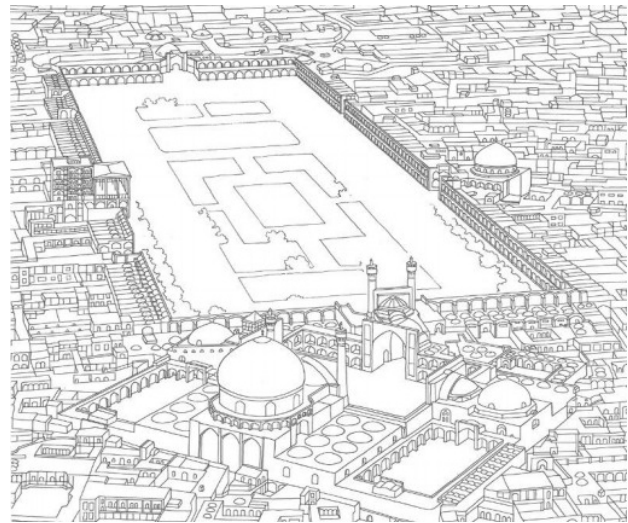
ساسانی است که در پیرامون کهندژ شکل گرفته و محل استقرار دیوانیان، اشراف و سپاهیان بوده است. این بخش از شهر نیز به‌وسیله حصار از بخش سوم یعنی ریز مجزا می‌شده است. ساکنین این بخش، پایین‌ترین طبقه جامعه را شکل داده که شامل کسبه، پیشه‌وران و کشاورزان است (مشهدی‌زاده دهاقانی، ۱۳۸۶، ۲۲۳). در این ساختار نیز می‌توان به عناصر اختصاصی شهر همچون کاخ، برج، بارو، آتشکده و غیره اشاره کرد که در انحصار شهر است. به‌علاوه اینکه، موقعیت‌های بالا، عظمت، کیفیت معماری و غیره هم به شهر و لایه‌های مرکزی آن افزوده می‌شود. برتری شهر در ساختارهای فکری و کالبدی دوره پیش از اسلام، با ورود اسلام به ایران تقویت شد. ورود اسلام به ایران از دو جهت بر قوت گرفتن گفتمان شهری مؤثر بوده است، به‌نحوی که برخی از صاحب‌نظران به اسلام، دینی شهری اطلاق نموده‌اند (لمتون، ۱۳۹۴، ۳۴؛ وثیق، پشتونی‌زاده و بمانیان، ۱۳۸۸، ۹۶). تأثیر نخستین اسلام بر این امر به توصیفات قرآنی و توصیه‌های بزرگان اشاره دارد که تاحدودی می‌توان آن را با ساختاری فکری معادل دانست. به‌عنوان مثال، «انا مدینه العلم و علی بابها»^{۲۹} یا «لاتسکن الرساق» که از زبان پیامبر نقل شده‌اند و در یکی به شهر اهمیت می‌دهد و در دیگری به مذمت روستا پرداخته می‌شود نمونه‌ای از مواردی است که در توجیه این مطلب ذکر شده است. فارغ از این بُعد که می‌تواند نسبت‌های داده‌شده صرفاً لغوی باشد و ملاک‌های بیان‌شده در قرآن و احادیث با ملاک‌های متعارف شهر و روستا متفاوت باشد، اما در بُعد دوم تأثیرگذاری می‌توان به امتیازات خاصی اشاره کرد که اسلام به ساختارهای کالبدی شهری عنایت نموده است. به‌عنوان مثال می‌توان به مساجد جامع اشاره کرد که یک امتیاز انحصاری برای شهرها تلقی می‌شود و روستاها از داشتن آن بی‌بهره هستند. از سوی دیگر

روستازادگان دانشمند/ به وزیری پادشا رفتند
 پسران وزیر ناقص عقل/ به گدایی به روستا رفتند
 (سعدی، گلستان)

تأثیرپذیری معماری و مسکن روستایی از معیشت کشاورزی، باغداری، دامداری و... یکی دیگر از ویژگی‌های متمایزکننده این سکونتگاه از سکونتگاه‌های شهری است که در اظهارنظرهای صاحب‌نظران بر آن تأکید شده است. به‌عنوان مثال، سرتیپی پور (۱۳۸۴، ۴۴) معتقد است مسکن در روستا علاوه بر نیازهای سکونتی افراد، حلقه‌ای از نظام‌های تولیدی را در خود لحاظ نموده است. عامری سیاهویی و احمدی (۱۳۹۳، ۵) نیز معتقدند که روستا، سکونتگاهی است که مشغولیت غالب سکنة آن کشاورزی است. این وضعیت سبب‌شده آماده‌سازی برای کاشت، مهیاساختن وسایل و ادوات کشاورزی، مراقبت از دام، برداشت محصول و... جزء لاینفک زندگی روستایی است. قسمتی از این فعالیت‌ها در بیرون و قسمتی در درون خانه صورت می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، اتاق، تنورخانه، زاغه، پستو، انبار علوفه و سوخت، به انضمام مرغدانی، بره‌دان و... از فضاهای مأنوس در خانه روستایی است. در تصویرپردازی‌های محیط روستایی در ادبیات منظوم ایران نیز مکرر از این ویژگی صحبت به میان آمده است:

چو مستان بر آن برزن آشوفتند/ همه روستا سر بسر روفتند
 خر و گاو بردند و هم گوسفند/ ستوران باری و اسب نوند
 (ملک‌الشعرا، بهار)

از این موارد می‌توان دریافت که ادبیات منظوم ایران در تصویرپردازی محیط‌های روستایی از ویژگی‌های معماری روستایی (که مدنظر صاحب‌نظران جغرافیا، برنامه‌ریزی و معماری هم بوده) غافل نشده و از آن‌ها کمال استفاده را برده است. اما از مقایسه تصویرپردازی‌هایی که به برتری گفتمان شهری بر روستایی ختم‌شده با ویژگی‌های معماری روستایی می‌توان دریافت که ادبیات منظوم ایران برای ایجاد و تثبیت سلطه مذکور، به ویژگی‌های اصیل معماری روستایی توجهی نداشته است. یعنی در این تقابلهای، ویژگی‌های معماری روستایی نه تنها برجسته نشده که به حاشیه رفته است. یکی دیگر از مباحث به‌حاشیه‌رانده، رابطه شهر و روستا در دوره‌های مختلف است. اساساً پیوند و رابطه شهر و روستا از طریق جریان‌های مختلف از جمله کالاها، افراد، اطلاعات، فناوری‌ها و غیره شناسایی می‌شود (لینچ، ۱۳۸۶، ۴۶). این روابط از دوره باستان تا به امروز مطرح است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷، ۲۵). در دوران پیشین، رابطه بین شهرها و روستاها متعادل و دوطرفه بوده است. به‌عنوان مثال، وابستگی روستا به شهر به‌خاطر خدمات و سرمایه بوده است؛ حال آن‌که شهر نیز به‌خاطر تأمین مواد اولیه و



تصویر ۲. هم‌نشینی عناصر سه‌گانه مسجد جامع، ارگ و بازار در ساختار کالبدی شهر اصفهان. مأخذ: توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱، ۲۷.

برتری قابل‌توجهی دارند. این نمود در ادبیات منظوم ایران نیز بازتابی شده است. مثلاً در شعر فردوسی آمده است:

نیامد ز گیتیش جز زهر بهر/ یکی روستا دید نزدیک شهر
 درخت و گل و آب‌های روان/ نشستن گه شاد مرد جوان
 درختی گشن سایه بر پیش آب/ نهمان گشته زو چشمه آفتاب
 (فردوسی)

همین شرایط و نمود طبیعی، روستا را به موقعیتی مناسب برای گشت‌وگذار تبدیل کرده است. جدا از روستاهایی که به‌واسطه معماری یا دیگر آثار موجود در آن‌ها، بستر لازم برای گشت‌وگذار را دارند، طبیعت و سهولت دسترسی به آن، خصیصه‌ای است که در اکثر روستاها حضور دارد و در ادبیات منظوم نیز بازتابی شده است. سادگی از دیگر ویژگی‌هایی است که به‌زعم صاحب‌نظران، در زندگی و معماری روستا قابل‌ردیابی است. این خصیصه ریشه در باورهای قناعت‌گرایانه آن‌ها دارد. باوری که آن‌ها را واداشته تا با ارائه پاسخ‌های ساده و با پرهیز از بیهودگی، نیازهای خود را در همه حیطه‌ها از جمله معماری پاسخ دهند (سرتیپی‌پور، ۱۳۹۱، ۱۴۰). این سادگی به شکل‌های مختلف در هندسه، مبلمان داخلی، مصالح، ساخت، توسعه و... قابل‌مشاهده بوده و یکی از وجوه مؤثر بر مسکن روستایی تلقی می‌گردد^{۳۳}. این وجه در ادبیات منظوم ایران هم بازتابی شده و می‌تواند در ابیات زیر از اوحدی تجلی یابد:

خوش ببايد بر آن امير گريست/ که به تدبير روستایی زیست
 روستایی کند کفایت و صرف/ تو مگر سازی از خراجش طرف
 (اوحدی)

همچنین، در کنار سادگی می‌توان به دانش و هنرمندی خاص روستائیان اشاره نمود که در ابیات سعدی قابل‌پیگیری است:

بدل شده است. زبان در این ادبیات از طریق تداوم همین برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌ها، توانسته سلطه شهر بر روستا را ایجاد، آن را تثبیت و به یک حقیقت مسلم بیرونی تبدیل کند. درحقیقت، در ادبیات منظوم ایران، بازتاب روستا و معماری روستایی در تقابل دوگانه‌های روستا و شهر نه براساس ویژگی‌های خود آن، بلکه در راستای قدرت‌نمایی شهر بازنمایی شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مثال می‌توان به تقابل دوگانه‌های شهر و روستا در فیلم‌های تلویزیونی پاورچین و شب‌های بره اشاره نمود که در آن‌ها بسیاری از رفتارهای منفی و نادرست از سوی افراد ساکن در روستا سر می‌زند. در مجموعه اولی، روستائیان در شهر آمده‌اند و در دومی یک فرد شهری در روستا رفته است.
۲. واعظی را گفت روزی سالی/ کای تو منبر را سنی‌تر قایلی
یک سؤالستم بگو ای ذو لباب/ اندرین مجلس سؤالم را جواب
بر سر بارو یکی مرغی نشست/ از سر و از دم کدآمینش بهست
گفت اگر رویش به شهر و دم به ده/ روی او از دم او می‌دان که به
ور سوی شهرست دم رویش به ده/ خاک آن دم باش و از رویش بجه (مولانا، مثنوی معنوی، دفتر ششم)
۳. این افراد شامل آرتیمانی، ابن حسام، ابوسعید ابوالخیر، اسدی توسی، اسعد گرگانی، اقبال لاهوری، امیر خسرو، انوری، اوحدی، باباافضل، باباطاهر، بهار، پروین اعتصامی، جامی، حافظ، خاقانی، خلیلی و... است.
۴. چو از شهر یکسر بپرداختند/ بگرد اندرش روستا ساختند (فردوسی)
۵. شهری شد ز ره دشت به ده/ تا گشاید ز دلش گشت گره (جامی، هفت اورنگ)
۶. گفتند که بیست هزار مرد در این شهر است، و روستاق‌های بسیار دارد (ناصر خسرو، ۱۳۸۱).
۷. به گرد اندرش روستاها بساخت/ چو آباد کردش کهان را نشاخت (فردوسی، شاهنامه)
۸. رستاق بیت‌المقدس همه کوهستان همه کشاورزی و درخت زیتون و انجیر و غیره تمامت بی‌آب است ((ناصر خسرو، ۱۳۸۱).
۹. آورده‌اند که نوشیروان عادل را در شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود غلامی به روستا رفت تا نمک آرد نوشیروان (سعدی، گلستان، باب اول)
۱۰. پنهن، ز خوشه‌ای بریائید دانه‌ای/ در قریه گفتگوست، که هنگام خرمن است (پروین اعتصامی)
۱۱. هر شهر شود کشور و هر قریه شود شهر/ هر سنگ شود گوهر و هر زهر شود قند (بهار)
۱۲. کارداری براند گرم به دشت/ شامگاهان به قریه‌ای بگذشت
لقمه‌ای خورد و جرعه‌ای پیوست/ دیده بر هم نهاد خسته و مست
۱۳. تا که از باغ خاست بانگ خروس/ خواجه برجست خشمناک و عبوس (ملک‌الشعرا، بهار)
- بود آبادینی به شهر قریب/ رخت آنجا کشید مرد غریب
بود در قریه چند استاکار/ گشته هریک به کارخویش سوار (ملک‌الشعرا، بهار)
۱۴. خرمن امسنله مارا، که سوخت؟ از چه درین دهکده قحط و غلاست (پروین اعتصامی)
۱۵. یکی آسیا دید در پیش ده/ نشست پراگنده مردان مه (فردوسی، شاهنامه)
۱۶. آن دهی بود بر کرانه دشت/ کادمی هیچ از آن طرف نگذشت (دهلوی)
۱۷. هله بر قوس بنه زه ز کمینگاه برون جه/ برهان خویش از این ده که تو زان شهر کلانی (مولانا، دیوان شمس)
۱۸. به یک هفته بستند حصار بلند/ به شهر اندر آمد سپاه ارجمند (فردوسی، شاهنامه)
۱۹. چو منزل به منزل به حلوان رسید/ یکی مایه‌ور باره و شهر دید
به پیش آمدندش بزرگان شهر/ کسی کش ز نام و خرد بود بهر (فردوسی، شاهنامه)
۲۰. که من شهر علمم علیم درست/ درست این سخن قول پیغمبرست (فردوسی، شاهنامه)
۲۱. ز دروازه شهر تا بارگاه/ درم بود و اسب و غلام و کلاه (فردوسی، شاهنامه)

منابع غذایی به روستاهای پیرامون خود محتاج بوده است (صرامی، ۱۳۸۴، ۱۰۱). با این وجود، چنین تعامل دوسویه‌ای در تصویرپردازی‌های برتری‌مآبانه شهر بر روستا مورد توجه شاعران کلاسیک ایران قرار نگرفته است. یکی دیگر از مباحث به حاشیه‌رانده شده را می‌توان به تنوع مجتمع‌های زیستی مرتبط با روستا و تفاوت‌های کالبدی و فضایی آن‌ها اشاره کرد که خود می‌تواند به مثابه یک ویژگی ممتاز مطرح شود. به عنوان مثال می‌توان به توضیحات کتاب تاریخ قم اشاره کرد که در آن مزارع مسکون را در ذیل ده و قریه قرار داده و در بالاترین رده به خود روستا اشاره کرده است (قمی، ۱۳۸۵، ۱۸۱). یکی دیگر از ویژگی‌های به حاشیه‌رانده شده روستا را می‌توان در ارتباط با تاریخ موجودیت آن تصور کرد. براساس نظرات صاحب‌نظران، زندگی روستایی و شکل‌گیری روستاها را باید مقدم بر زندگی شهری دانست؛ چراکه تاریخ شکل‌گیری شهرهای مهمی همچون اور، لاگاش، آشور و غیره به حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد بازمی‌گردد، حال آن‌که شکل‌گیری روستاها مصادف با انقلاب کشاورزی است که قدمتی به مراتب بیشتر دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ۴۱؛ ممتاز، ۱۳۷۹، ۱۴). درحقیقت، زندگی شهری موجودیت خود را زمانی می‌یابد که مازاد تولید محصولات، عده‌ای را از اشتغال به فعالیت‌های کشاورزی و غیره بازمی‌دارد (راهب، ۱۳۸۶، ۱۰۹). لذا قدمت و سبقت تاریخی را می‌توان یکی دیگر از مختصات معماری روستایی برشمرد که اتفاقاً می‌تواند در مقایسه با معماری شهری ارائه شود؛ با این حال در ادبیات کلاسیک ایران و در تصویرپردازی‌های برتری‌مآبانه شهری ملاک توجه قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

با تأمل بر یافته‌های بخش‌های پیشین می‌توان عنوان کرد که زبان در تقابل دوگانه‌های روستا و شهر در تصویرپردازی‌های ادبیات منظوم ایران، از یک سو به برجسته‌سازی ویژگی‌هایی از جمله واحدهای اختصاصی، جهت‌گیری، محوریت، اصالت، ...، وسعت، بزرگی مقیاس‌ها، کمیت‌ها و ابعاد فضاهای شهری پرداخته که اتفاقاً با ساختارهای کالبدی شهرها در دوران پیش و پس از ورود اسلام به ایران هم‌راستا هستند و از طریق ساختارهای فکری حاکم بر جوامع نیز تقویت شده‌اند. زبان برای ایجاد این سلطه تنها به برجسته‌سازی اکتفا ننموده و از سوی دیگر، ویژگی‌هایی همچون زمینه‌گرایی، ادغام فضاها با طبیعت، موقعیت‌های مناسب روستا برای گشت‌وگذار، معیشت‌محوری فضاها، سادگی و... را که به روستا اختصاص داشته، به حاشیه رانده است (جدول ۱). یعنی اساساً ویژگی‌های معمارانه به ابزاری برای معناسازی و تسلط تصویرپردازی‌ها یا نمادپردازی‌های شهر بر روستا

جدول ۱. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ویژگی‌های معماری شهر و روستا توسط زبان شعر برای تسلط گفتمان شهر بر روستا. مأخذ: نگارندگان.

برساخت‌گرایی زبان	ابزارهای معماری
برجسته‌سازی	تأکید بر عناصر اختصاص محیط‌های شهری: اشاره به عناصری همچون دژ، بارو، دروازه، کاخ، بارگاه، مسجد آدینه، مناره، ایوان، میدان، کارخانه، بازار و غیره که در زمره واحدهای موجود در محیط‌های شهری هستند. تأکید بر عظمت و پرطمطراق بودن عناصر شهری: قیاس عناصر شهری به آسمان، کیوان، زحل، مشتری تأکید بر وسعت و ابعاد عناصر شهری: اشاره به طول زیاد باروی شهر؛ اشاره به ارتفاع و دهانه گنبد تأکید بر بزرگی مقیاس فضایی-کالبدی محیط‌های شهری: اشاره به تعداد ساکنین، اشاره به تعدد واحدهای مسکونی؛ اشاره به تعدد واحدهای انحصاری شهری
حاشیه‌رانی	تأکید بر جهت‌گیری و محور از شهر به روستا: اشاره به مرکزیت شهر و بناسدن روستا بر گرد شهر یا اشاره به تقدم ساخت شهر نسبت به روستا تأکید معنایی بر اصالت: اشاره به اینکه روستا منزلتی پایین‌تر از شهر دارد با قیاس آن دو به عقل و دل یا با قیاس آن دو به دم و سر یا با قیاس آن دو به کشک و شهد. از دیگر اقسام این نوع قیاس‌ها می‌توان به سنگ و گوهر؛ زهر و قند اشاره نمود.
	زمینه‌گرایی معماری در محیط‌های روستایی: از یک سو، پیوستگی این نوع معماری به دشت، کوه و غیره که بستر درک آن را با زمینه فراهم می‌آورد (خواه برای مخاطب درونی و خواه برای مخاطب بیرونی)؛ از سوی دیگر، ساخت معماری بر پایه استفاده از ساختمایه‌های موجود در زمینه. طبیعت‌محور بودن معماری در محیط‌های روستایی: ادغام و درهم‌تنیدگی این نوع معماری با درختان، پرندگان و آوای آن‌ها، حیوانات اهلی، آب، رود و غیره که زمینه‌آبادی و آبادانی روستا را فراهم آورده است. موقعیت مناسب محیط‌های روستایی برای گشت‌وگذار: ادغام این نوع معماری با چشمه، جویبارها، باغات، بستان‌ها، گلزارها، گلگشت‌ها و غیره که بر وجه گردشگری این محیط‌ها افزوده است. معیشت‌محوری معماری در محیط‌های روستایی: ادغام خانه و دیگر فضاهای زندگی با فضاهای مورد نیاز کشاورزی و دامداری نظیر تنورخانه، زاغه، پستو، انبار علوفه و سوخت، به انضمام مرغدانی، بره‌دان و... کوچکی مقیاس فضایی-کالبدی محیط‌های روستایی: استقرار تعداد کم واحدهای سکونتی در این مراکز سادگی معماری در محیط‌های روستایی: بی‌پیرایه بودن طرح خانه‌ها؛ سادگی در تدابیر روستایی وابستگی شهر به واحدهای تولیدی روستا: وجود عناصری همچون زمین‌های زراعی، باغات، آسیا تنوع مجتمع‌های زیستی مرتبط با روستا: تعدد مراکز سکونتی مرتبط با روستا، از مزارع مسکون تا رستاق تعامل و ارتباط دوسویه روستا با شهر در طول تاریخ: محصولات کشاورزی و منابع اولیه روستایی در برابر خدمات و سرمایه‌های شهری سابقه تاریخی موجودیت روستا و معماری روستایی: شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی مقدم بر سکونتگاه‌های شهری

۲۲. ز یک میل کرد آفریدون نگاه/ یکی کاخ دید اندر آن شهر شاه
فروزنده چون مشتری بر سپهر/ همه جای شادی و آرام و مهر (فردوسی، شاهنامه)

۲۳. سراسر همه شهر آیین بیست/ بیاراست میدان و جای نشست (فردوسی، شاهنامه)

۲۴. یکی شهر دید اندر آن دژ فراخ/ پر از باغ و میدان و ایوان و کاخ
درازی و پهنای او ده کمند/ به گرد اندرش طاق‌های بلند (فردوسی، شاهنامه)

۲۵. یکی شارسانی برآورد شاه/ پر از برزن و کوی و بازارگاه (فردوسی، شاهنامه)

۲۶. شنودم من که غولی روستایی/ به شهر آمد بدست بی‌نویی
ندیده بود اندر ده مناره/ تعجب کرد و آمد در نظاره (عطار، اسرارنامه)

۲۷. اگر بیستم رخت سفر به خوزستان/ هزار تجریت از این سفر پدید آمد
دو دیگر آنکه ز دیدار کارخانه نفت/ رضایت ملک دادگر پدید آمد (ملک‌الشعرا، بهار)

۲۸. ز شهر و ز درگاه سالار نوب/ رون آمد آن نامور شهریار (فردوسی، شاهنامه)

۲۹. من شهر علم هستم و علی دروازه آن
۳۰. واحدهای سکونتگاهی در روستاهای ایران تابع عوامل محیطی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

۳۱. معماری روستایی ریشه در عوامل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و ساختمانی دارد.

۳۲. در منظر روستایی، ویژگی‌های طبیعی و توان محیطی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. هر روستا محصول تعامل انسان/ محیط، تکیه بر ارزش‌های طبیعی و بازتاب نگاه احترام‌آمیز ساکنین به محیط طبیعی است.

۳۳. وجوه مؤثر بر مسکن روستایی عبارتند از وجوه اقتصادی (شامل شغل، قیمت خانه، توان مالی، مصالح مورد استفاده، نیروی انسانی مورد نیاز برای احداث ساختمان، توسعه تدریجی مسکن، نوع مالکیت، حداقل‌ها، سادگی و حذف زوائد، استفاده از یک فضا برای چند کاربری، نهادها و ارگان‌های حامی)، وجوه

فهرست منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۹۰). مقدمه ابن‌خلدون (ترجمه محمد پروین گنابادی). تهران: علمی و فرهنگی.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات/ ادب‌پژوهی، ۱(۱)، ۱۷-۲۷.
- تقوایی، حسن. (۱۳۹۲). منظر روستایی و جلوه‌های پرداخت محیط طبیعی. مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۳)، ۱۵-۳۸.
- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر. (۱۳۷۱). طراحی فضای شهری ۱. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۵). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.
- داریوش، بابک و فاتح، محمد. (۱۳۹۳). معماری روستایی ۱-۲.

- تهران: علم و دانش - شبستان.
- دانشپور، عبدالهادی و شیر، الهام. (۱۳۹۴). عناصر کالبدی-کارکردی شکل‌دهنده به هویت بافت‌های تاریخی شهر ایرانی-اسلامی. نقش جهان، (۱)۵، ۱۷-۲۵.
 - راهب، غزال. (۱۳۸۶). درنگی در مفهوم روستا. *محیط‌شناسی*، ۳۳(۴۱)، ۱۰۵-۱۱۶.
 - زرگر، اکبر و حاتمی خانقاهی، توحید. (۱۳۹۳). وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی. *مسکن و محیط روستا*، ۳۳(۱۴۸)، ۴۵-۶۲.
 - سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۴). شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران. *هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی*، (۲۲)، ۴۳-۵۲.
 - سرتیپی پور، محسن. (۱۳۹۱). رویکرد محلی‌گرایی در معماری روستاهای ایران. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، (۲)۱، ۱۲۹-۱۴۶.
 - سعیدی، عباس و حسینی حاصل، صدیقه. (۱۳۸۸). *شالوده مکانیابی و استقرار روستاهای جدید*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
 - سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۷). *مقدمه‌ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - صرامی، حسین. (۱۳۸۴). مرکز پیرامون و رابطه شهر و روستا. *تحقیقات جغرافیایی*، (۲)۲۰، ۱۰۰-۱۱۲.
 - عامری سیاهویی، حمیدرضا و احمدی، مهدیه. (۱۳۹۳). روستا ۲. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
 - علایی خرایم، مریم و سرامی، قدمعلی. (۱۳۹۱). روستا و جنبه‌های تمثیلی آن در شعر مولانا. *مولوی پژوهی*، (۱۴)۶، ۶۱-۸۸.
 - فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان* (ترجمه فاطمه شایسته پیران). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
 - قمی، حسن بن عبدالملک. (۱۳۸۵). *تاریخ قم* (تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی). قم: انتشارات زابر-آستانه مقدسه.
 - کریستین‌سن، آرتور. (۱۳۷۸). *ایران در زمان ساسانیان* (ترجمه رشید یاسمی). تهران: دنیای کتاب.
 - لمتون، آن کاترین سواين‌فورد. (۱۳۹۴). *اصلاحات ارضی در ایران ۱۳۴۰-۱۳۴۵* (ترجمه مهدی اسحاقیان). تهران: امیرکبیر.
 - لینچ، کنت. (۱۳۸۶). *روابط متقابل شهر و روستا در کشورهای*
- درحال توسعه (ترجمه محمدرضا رضوانی و داوود شیخی). تهران: انتشارات پیام.
- مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر. (۱۳۸۶). *تحلیلی از ویژگی‌های شهری در ایران*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
 - مقدمی، محمدتقی. (۱۳۹۰). *نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن*. معرفت فرهنگی/اجتماعی، (۲)۲، ۹۱-۱۲۴.
 - ممتاز، فریده. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی شهر*. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
 - ناصر خسرو. (۱۳۸۱). *سفرنامه ناصر خسرو* (به کوشش محمد دبیر سیاقی). تهران: انتشارات زوار.
 - وثیق، بهزاد؛ پشتونی‌زاده، آزاده و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۸). مکان و مسکن از منظر اسلام. *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، (۳)۱، ۹۳-۱۰۱.
 - یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.
 - یزدانی، سهراب و رافعی، محمد. (۱۳۹۷). *دوگانگی روستا-شهر و سلطه گفتمان شهری؛ با نگاهی بر شعر کلاسیک فارسی*. *پژوهش‌های علوم تاریخی*، (۱)۱۰، ۱۱۷-۱۲۶.
- Birch, D. (1989). *Literature and critical practice*. London: Routledge.
- Fairclough, N. (2001). *Language and power* (second edition). England: Longman.
- Gee, J. P. (1999). *An Introduction to discourse analysis: Theory and method*. London: Routledge.
- Jaworski, A. & Coupland, N. (1991). *The Discourse Reader*. London: Routledge.
- Mackenzie, D. N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press.
- Schiffrin, D. (1994). *Approaches to Discourse*. Oxford and Cambridge: Blackwell
- Simpson, P. (1993). *Language, Ideology and Point of view*. London: Arnold.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

عبادی، هادی؛ گودینی، جواد و محمدزاده گودینی، یحیی. (۱۴۰۱). نقش معماری در سلطه گفتمان شهری بر روستایی در ادبیات منظوم ایران. *باغ نظر*، (۱۱۴)۱۹، ۱۷-۲۶.

DOI:10.22034/BAGH.2022.237600.4595

URL:http://www.bagh-sj.com/article_159184.html

